

روستا و توسعه، سال ۲۳، شماره ۹۲، زمستان ۱۳۹۹

DOI: 10.30490/RVT.2020.298335.1091

طراحی الگوی امنیت غذایی خانوارهای روستایی استان ایلام: کاربرد نظریه زمینه‌ای

محمدباقر آرایش^۱، زهرا فتح‌اللهی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۷

چکیده

در تحقیق حاضر، با استفاده از رهیافت نظریه داده‌بنیاد، مؤلفه‌های امنیت غذایی پایدار خانوارهای روستایی استان ایلام در قالب رویکردی استقرایی شناسایی و تحلیل شد. روش پژوهش، از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها آمیخته اکتشافی بود. مشارکت کنندگان تحقیق متشکل از خبرگان آشنا به مباحث امنیت غذایی (شامل کارشناسان تغذیه، بهداشت، ترویج و آموزش کشاورزی، و غذا و دارو و همچنین، کشاورزان نمونه استان و کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی) در سال ۱۳۹۷ بودند که از آن میان، هجده نفر بر اساس

۱- نویسنده مسئول و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایلام، ایران (arayesh.b@gmail.com).

۲- دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایلام، ایران.

معیار اشباع نظری و با استفاده از رویکرد نمونه‌گیری هدفمند و روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که مدل احصاشده از شش مقوله اصلی، شانزده زیرمقوله و ۶۲ گویه (مفهوم) تشکیل شده، که عبارت‌اند از: شرایط علی (خطرات تهدیدکننده سلامت، تهدیدات محیط زیست)، شرایط زمینه‌ای (الگوی غذایی خانوار و شرایط اجتماعی-فرهنگی)، مقوله محوری (وجود غذای کافی، دسترسی به غذا، ثبات در جذب غذا، برقراری سلامت غذایی)، راهبردها (عرضه مواد غذایی سالم با رعایت الگوی مناسب مصرف، مدیریت مخاطرات و خطرپذیری، سرمایه‌گذاری فنی-زراعی، افزایش خدمات آموزشی و حمایتی)، شرایط میانجی (حمایت‌های رفاهی و اقتصادی، حمایت‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی، حمایت‌های آموزشی و بهداشتی) و پیامدها (توقف افول و ارتقای سطح سلامت و تغذیه مصرف‌کنندگان روستایی). همچنین، با بهره‌گیری از نتایج کدگذاری‌ها و تحلیل با رویکرد کیفی در کل نظریه، طراحی مدل صورت گرفت؛ و در نهایت، مدل مفهومی و اجزای مدل با مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط ارائه شدند.

کلیدواژه‌ها: نظریه زمینه‌ای (داده‌بنیاد)، امنیت غذایی پایدار، روستا، ایلام (استان).

مقدمه

«امنیت غذایی» مفهومی چندبخشی و چندرشته‌ای است که مانند بسیاری از مفاهیم نوین توسعه پایدار اجتماعی و اقتصادی، دارای ابعاد مختلف است، بدین معنی که امنیت غذایی، از یک سو، شاخصی کلی برای سنجش توسعه پایدار است و از سوی دیگر، برای سنجش آن، از داده‌ها و شاخص‌های مختلف مانند فقر، تغذیه، اشتغال، تولید کشاورزی و مواد غذایی، درآمد، خوداتکایی، مصرف و تجارت خارجی استفاده می‌شود. امنیت غذا و تغذیه زمانی حاصل می‌شود که همه افراد در همه زمان‌ها مقدار کافی و باکیفیت از غذاهای متنوع با محتوای

مواد مغذی و ایمن برای تأمین احتیاجات رژیم غذایی را مصرف کنند و یک زندگی فعال و سالم توأم با بهداشت محیط، سلامت و مراقبت مکفی داشته باشند (Shirin and Damari, 2017).

امنیت غذایی نه تنها مستلزم عرضه کافی مواد غذایی در سطح کلان بلکه ناظر به توزیع عادلانه غذا برای دستیابی همگان بدان است. به منظور تأمین امنیت غذایی در یک کشور و نظام اجتماعی، باید سازمان‌ها و نهادها با هم همکاری داشته باشند و با هماهنگی یک سازمان متولی امنیت غذایی بر تولید یا واردات مواد و محصولات غذایی، آموزش و تبلیغ و آگاهی‌رسانی به جامعه و سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی نقش ایفا کنند. بر مبنای گزارش سند ملی امنیت غذایی، که یک سند کاملاً بین‌بخشی است، وزارتخانه‌های بهداشت و صنعت و نیز سازمان غذا و دارو، سازمان ملی استاندارد، سازمان حمایت از مصرف‌کننده، صنوف، سازمان دامپزشکی و همه نهادهای درگیر در تأمین غذا در این زمینه مسئول شناخته می‌شوند. از این رو، سازمان‌های متولی امنیت غذایی باید نسبت به نوع مواد غذایی، میزان و قیمت آنها همیشه مطلع باشند و بررسی کنند که همه مردم از نظر مادی به غذا دسترسی داشته باشند و درآمدها به قدری باشد که بتوانند غذا بخرند و این سازمان‌ها، در صورت بروز بحران، باید زنگ خطر را به صدا درآورند و اندازه‌گیری این امنیت غذایی را بر عهده گیرند (Zeraatkish and Kamaei, 2017). بنابراین، می‌توان گفت که مفهوم امنیت غذایی از طریق تعامل دامنه‌ای از عوامل زیست‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی، کشاورزی و مادی تعیین می‌شود (Lawrence et al., 2015). امنیت غذایی زمانی تأمین می‌شود که سرانه سبد غذایی خانواده به صورت صحیح انتخاب و تهیه شود و برای افراد خانواده کافی و به صورت صحیح طبخ شود تا عناصر و مواد غذایی سالم و صحیح به سلول‌ها و اندام‌های بدن برسد (Zeraatkish and Kamaei, 2017)؛ برقراری چنین امنیتی در بین خانوارهای روستایی، به لحاظ محرومیت و سطح آسیب‌پذیری بالاتر نسبت به خانوارهای شهری، به مراتب از اهمیت بالاتری برخوردار است و همواره یکی از اهداف عمده برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی بوده است (Mehrabi and Owhadi, 2014). مطالعه سالارکیا و همکاران (Salarkia et al., 2014)، در خصوص سطح امنیت غذایی جامعه شهری ایران، نشان داد که تنها ۲۱ درصد از خانواده‌ها در طبقه امن غذایی قرار داشته و ۷/۵ درصد در طبقه ناامن غذایی شدید قرار داشته‌اند. در عین

حال، نتایج مطالعه سعدی و وحدت مؤدب (Saadi and Vahdat Moadab, 2013) در زمینه وضعیت امنیت غذایی خانوارهای روستایی دارای سرپرست زن در شهرستان رزن نیز گویای آن است که ۱۷/۴ درصد از این خانوارها در سطح ناامنی شدید غذایی قرار داشته‌اند. لازمه دستیابی به امنیت غذایی پایدار در جوامع روستایی حفظ و ارتقای بسترهای محیطی و اجتماعی و اقتصادی است. اما وجود مشکلاتی چون گسترش روش‌های سنتی و نادرست در بهره‌برداری از منابع، سطح آگاهی پایین خانوارهای روستایی، کمیت و کیفیت منابع آبی، افزایش نابرابری‌های اجتماعی میان خانوارهای روستایی، آلودگی محیط زیست، افزایش مصرف سموم در خاک و آب و کاهش باروری خاک مانع از تحقق کامل چنین هدفی در مناطق روستایی شده است (Akbarpour et al., 2016).

قرار گرفتن نزدیک به یک چهارم استان‌های کشور در طیف ناامنی غذایی هشدار برای بهبود وضعیت امنیت غذایی کشور آن‌هم با رعایت عدالت در دسترسی و بهره‌مندی خانوارهاست (Alimoradi et al., 2015). بنابراین، می‌توان گفت که امنیت غذا و تغذیه فراتر از تأمین غذا بوده و تأمین آن تضمین‌کننده سلامت جامعه است. از سوی دیگر، در اسناد بالادستی کشور و به‌ویژه اصل ۱۲ قانون اساسی در سه بند و نیز سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران، به برخورداری آحاد مردم از امنیت غذایی و رفع هر نوع محرومیت در زمینه تغذیه اشاره شده است (Shirin and Damari, 2017). نکته قابل‌اعتنای دیگر آن است که مفهوم استحقاق غذایی (مجموعه سبد کالاهایی که خانوارها در ازای ارائه خدمات کار یا دارایی‌های در تملک خود به دست می‌آورند) منجر به برداشت‌های متناقض از امنیت غذایی در نواحی شهری و روستایی شده است، بدین معنی که به‌رغم عرضه کافی مواد غذایی، ممکن است استحقاق غذایی برخی از خانوارها به دلیل فضای مبادله (یعنی، پایین بودن میزان دستمزد و یا بالا بودن قیمت‌ها)، پایین باشد. افزون بر این، بر مبنای شاخص‌های کمی (عینی) و شاخص‌های کیفی (ذهنی)، رویکردهایی متفاوت نسبت به مفهوم پردازی امنیت غذایی مطرح شده است. در رویکرد موسوم به امنیت غذایی کمی، شاخص‌های عینی نظیر سطوح هدف مصرف، مصرف

کمتر از هشتاد درصد کالری مورد نیاز و عرضه قابل اتکا و کافی مواد غذایی مد نظر بوده، که انتقاداتی در زمینه‌هایی نادیده گرفتن شرایط جسمانی، سنی، جنسی و رفتاری افراد و قضاوت ارزشی بیرون از فرد و نیز نادیده گرفتن جنبه‌های کیفی را به دنبال داشته است (Hashemitabar et al., 2018).

از آنجا که تأمین امنیت غذایی از اهداف راهبردی و سند چشم‌انداز توسعه کشور است، با توجه به اهمیت موضوع و قرار گرفتن استان ایلام در ردیف سومین استان دارای بیشترین فقر روستایی کشور با شاخص ۲/۳۴ درصد و تمرکز بخش عظیمی از جمعیت خانوارهای این استان در نواحی روستایی (Khalaj and Yousefi, 2015) و همچنین، تأکید بر رویکردهای «خانوارنگر به جای ملی»، «سطح و نحوه معیشت به جای میزان غذای در دسترس» و «شاخص‌های ذهنی به جای کیفی»، نیاز به یک مدل مفهومی در حوزه تغذیه و امنیت غذایی در سطح نواحی روستایی استان ایلام احساس می‌شود. از این رو، با توجه به بررسی پیشینه پژوهش، در پژوهش حاضر، بهره‌گیری از نظریه زمینه‌ای مناسب تشخیص داده شد، چراکه در موضوع مطالعه، هم خود فرآیند و هم موجبات و آثار آن اهمیت دارد. همچنین، نظریه زمینه‌ای زمانی موضوعیت و مشروعیت دارد که نظریه‌ای وجود ندارد (عدم کفایت نظریه) یا نیاز به گزاره‌های فرضیه‌ای بیشتری است (عدم کفایت فرضیه)، یا نیاز به نظریه‌ای برای اینجا و اکنون است (Safaei et al., 2018). با توجه به آنچه گفته شد، سؤالات اصلی تحقیق حاضر عبارت‌اند از: «چه الگوی نظری را می‌توان برای پیاده‌سازی امنیت غذایی خانوارهای روستایی پیشنهاد کرد؟» و «عوامل علی، زمینه‌ای، مقوله محوری، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای مدل کدامند؟». از این رو، تحقیق حاضر، ضمن تدوین الگوی اکتشافی، به تبیین روابط تحلیلی بین عوامل یادشده همچنین، به ارائه الگوی مفهومی امنیت غذایی پایدار خانوارهای روستایی استان ایلام می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

امنیت غذایی در گذشته مترادف با رشد تولید غذا به ویژه در کشورهای کم درآمد و کم غذا تعبیر می شد، اما رشد جمعیت، از یک سو، و افزایش تعداد گرسنگان، از سوی دیگر، نشان داد که این دیدگاه درست نیست. از این رو، در هشتمین نشست کمیته امنیت غذایی جهان که در سال ۱۹۸۳ تشکیل شد، مفهوم امنیت غذایی تغییر کرد و هدف نهایی امنیت غذایی در جهان تأمین غذا برای همه مردم در تمام اوقات ذکر شده است (Rahimi Fayzabad et al., 2017). سپس، در اجلاس بین المللی تغذیه در سال ۱۹۹۲، برای اولین بار، امنیت غذایی و مسائل مربوط به آن، به صورت یک نظریه مطرح شد و امنیت غذایی خانوار به عنوان یکی از راهبردهای مهم در برخورد با سوء تغذیه و گرسنگی مورد تأکید و تصویب قرار گرفت (Cheraghi et al., 2018). در گزارشی از فائو در ارتباط با ناامنی غذایی در سال ۲۰۰۲، چهار رکن برای امنیت غذایی در نظر گرفته شد: موجودیت مواد غذایی، دسترسی به مواد غذایی، استفاده از مواد غذایی، و پایداری نظام مواد غذایی. در رکن موجودیت مواد غذایی، تمرکز روی تولید مواد غذایی و در رکن دسترسی به مواد غذایی، تمرکز روی توانایی مردم برای به دست آوردن غذا از طریق تولید، خرید و یا انتقال مواد غذایی است؛ همچنین، در رکن استفاده از مواد غذایی، تمرکز روی ارزش تغذیه ای مواد غذایی بوده و استفاده از مواد غذایی در تعامل با شرایط فیزیولوژیکی و ایمنی مواد غذایی است، در حالی که در رکن پایداری نظام مواد غذایی، تمرکز روی عرضه مواد غذایی و دسترسی بدن و نیز توانایی تأمین مواد غذایی در شرایط اضطراری است و شیوع ناامنی غذایی بر وضعیت جسمانی، اجتماعی و روانی افراد جامعه اثرگذار است. از این رو، برقراری امنیت غذایی پایدار در سطح جامعه، به ویژه در مناطق محروم و آسیب پذیر مانند روستاها، بسیار لازم و ضروری است. در واقع، برقراری امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی تا حدود زیادی می تواند تضمین کننده سلامت جامعه باشد، زیرا طبق بررسی های به عمل آمده، حداقل هفتاد درصد از کل جمعیت فقیر جهان در نواحی روستایی سکونت دارند (Ghaffarian et al., 2016)؛ و از آنجا که اکثریت آنها در فعالیتهای مربوط به

تولید محصولات کشاورزی و غذایی اشتغال دارند، این موضوع بر سطح تغذیه و سلامت کل جامعه اثر می‌گذارد. مطالعات مختلف در زمینه امنیت غذایی انجام شده است که در پی، می‌توان به پاره‌ای از آنها اشاره کرد.

نتایج تحقیق هاشمی تبار و همکاران (Hashemitabar et al., 2018)، در خصوص عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در نواحی روستایی استان کرمان حاکی از وضعیت نامناسب امنیت و تنوع غذایی در گروه‌های غذایی خانوارهای روستایی مورد مطالعه است. نتایج تحقیق شیرانی بیدآبادی و احمدی کلیجی (Shirani Bidabadi and Ahmadi Kaliji, 2014)، در زمینه کاربرد شاخص‌های تنوع غذایی در بررسی امنیت غذایی مناطق روستایی ایران، نشان داد که دهک‌های پایین درآمدی از تغذیه قابل قبول برخوردار نیست و مواد مغذی به اندازه کافی به آنها نمی‌رسد؛ همچنین، تنوع مصرف مواد غذایی نیز در گروه‌های کم‌درآمد وجود نداشته است. بر پایه نتایج مطالعه پاکروان و همکاران (Pakravan et al., 2015)، با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای شهری و روستایی ایران، تحصیلات دانشگاهی به افزایش آگاهی سرپرست خانوار از کیفیت مواد غذایی و بهبود وضعیت امنیت غذایی منجر شده است. نتایج مطالعه ابراهیم و همکاران (Ibrahim et al., 2009)، در خصوص امنیت غذایی و تخصیص منابع در بین خانوارهای کشاورزان شمال نیجریه، نشان داد که هفتاد درصد روستاییان، از نظر امنیت غذایی، در وضعیت بسیار امن و سی درصد بقیه در وضعیت نامناسبی به سر می‌برند. بر اساس نتایج تحقیق أجه‌لیه و همکاران (Ojeleye et al., 2014)، با عنوان «ارزیابی امنیت غذایی خانوارهای روستایی نیجریه»، حدود یک‌سوم خانوارهای روستایی در نیجریه را می‌توان نمونه ناامنی غذایی دانست که به‌طور متوسط، اندازه مزرعه آنها ۲/۰۵ هکتار بوده است. در تحقیق سیدو و همکاران (Seydou et al., 2014)، قیمت بالای مواد غذایی، فاصله از مراکز خرید، فقر، نابرابری خاک و آفات عوامل مؤثر در امنیت غذایی خانوارهای روستایی نیجریه شناخته شدند. نتایج پژوهش سواری و همکاران (Savari et al., 2014)، با هدف تحلیل وضعیت امنیت غذایی خانوارهای روستایی شهرستان دیوان‌دره، نشان داد که بین

فاصله محل سکونت تا شهر و امنیت غذایی خانوار رابطه معنی دار وجود داشته است. بر پایه نتایج تحقیق جمینی و همکاران (Jamini et al., 2017)، در زمینه امنیت غذایی و پیامدهای آن در نواحی روستایی شهرستان روانسر، ۲۵ درصد افراد مورد مطالعه دارای امنیت غذایی بوده و ۷۵ درصد بقیه در گروه‌های مختلف ناامنی غذایی قرار گرفته‌اند؛ نتایج مدل برازش شده نیز حاکی از آن بود که امنیت غذایی بیشترین اثرات را بر سه متغیر شامل از بین بردن دارایی، فشار بر منابع آب و تخریب مراتع، جنگل‌ها و حیات وحش داشته است. بر اساس نتایج تحقیق صفروپور و همکاران (Safarpour et al., 2013)، امنیت غذایی با سطح اقتصادی خانواده، تعداد افراد شاغل خانواده، تعداد فرزندان، سطح تحصیلات سرپرست خانوار و مالکیت منزل رابطه معنی دار دارد. در تحقیق اصغریان و همکاران (Asgharian et al., 2013)، با هدف دستیابی به تعیین‌کننده‌های امنیت غذایی خانوارهای روستایی ایران، درآمد، اشتغال و مالکیت ماشین‌های کشاورزی مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های امنیت غذایی گزارش شده‌اند. نتایج تحقیق ترفرای و همکاران (Trefry et al., 2014)، در زمینه فرهنگ و امنیت غذایی خانوارهای روستایی آفریقای جنوبی، نشان داد که عوامل فرهنگی مانند قدرت، جنسیت، هویت، تغییرات فرهنگی و نهادهای محلی در افزایش امنیت غذایی تأثیر مستقیم دارند. در تحقیق بشیر و همکاران (Bashir et al., 2012)، با عنوان «تعیین‌کننده‌های امنیت غذایی روستایی پنجاب پاکستان»، مشخص شد که امنیت غذایی در ۲۶ درصد از خانوارهای مورد مطالعه مناسب نیست و درآمد ماهانه، دارایی‌های دامی و بعد خانوار از تعیین‌کننده‌های امنیت غذایی به‌شمار می‌روند. بر اساس نتایج تحقیق نورد و همکاران (Nord et al., 2010) نشان داد که ۸۵ درصد آمریکایی‌ها از امنیت غذایی برخوردارند و پانزده درصد در شرایط ناامنی غذایی قرار گرفته‌اند؛ و دلیل اصلی این ناامنی غذایی عدم دسترسی به پول و دیگر منابع برای خرید مواد غذایی است.

در مدل مفهومی سامانه ملی پایش امنیت غذا و تغذیه، چهار بعد کشاورزی-اقلیمی، اقتصادی-اجتماعی، جمعیتی و بهداشتی، تغذیه و امنیت غذایی در نظر گرفته شده است (Abolhassani et al., 2015). در مدل امنیت غذایی ارائه‌شده توسط هاموند و

دوب (Hammond and Dubé, 2012)، اجزای اصلی یا ابعاد چهارگانه مدل عبارت‌اند از: عوامل کلان (سیاست‌های بازار، مالکیت زمین و ابزار، سیاست‌های تولید، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی)، عوامل زراعی (از مرحله تولید موادخام، نگهداری، تبدیل، بسته‌بندی، زنجیره تأمین)، عوامل سلامتی (اختلال فیزیولوژیک و بیماری‌ها، آب و خوراک سالم) و عوامل زیست‌محیطی (تغییرات جوی، رشد جمعیت، توسعه اقتصادی، شهرنشینی، مهاجرت، تغییرات زیست‌بوم).

روش تحقیق

در پژوهش حاضر، برای دستیابی به توصیفی اجمالی از تجربه‌ها، نگرش و ادراک مصاحبه‌شوندگان نسبت به ابعاد الگوی عوامل اثرگذار بر امنیت غذایی پایدار خانوارهای روستایی استان ایلام، از روش پژوهش کیفی و به‌ویژه راهبرد نظریه داده‌بنیاد (Strauss and Corbin, 1990) استفاده شده است. روند نظریه داده‌بنیاد به‌منظور یکپارچه‌سازی مجموعه‌ای از مفاهیم در راستای تبیین نظری پدیده اجتماعی مورد مطالعه طراحی می‌شود (Varmazyari et al., 2018). نظریه داده‌بنیاد، در ساده‌ترین شکل ممکن، عبارت است از فرآیند ساخت نظریه مدون از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده و تحلیل استقرایی داده‌ها برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوین آن دسته از پژوهش‌های کیفی که فاقد مبانی نظری کافی در زمینه موضوع مورد مطالعه است (Yasini et al., 2017). به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها، از شیوه مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. در پژوهش حاضر، واحد تحلیل در شش گروه دسته‌بندی شده است: گروه اول، کارشناسان تغذیه؛ گروه دوم، کارشناسان بهداشت؛ گروه سوم، کارشناسان ترویج و آموزش کشاورزی؛ گروه چهارم، کارشناسان غذا و دارو؛ گروه پنجم، کشاورزان گندم‌کار نمونه سال ۱۳۹۷ استان ایلام؛ و گروه ششم، کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی استان ایلام. این شش گروه مصاحبه‌شوندگان پژوهش را تشکیل داده‌اند که از آن میان، هجده نفر بر اساس معیار اشباع نظری و با استفاده از رویکرد نمونه‌گیری هدفمند و روش

نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شدند (جدول ۱). مصاحبه‌ها به صورت فردی انجام شد و زمان آن به طور میانگین، شصت دقیقه بود. همچنین، به منظور شکل دهی نظریه در حال تکوین امنیت غذایی خانوارهای روستایی، از نمونه‌گیری نظری استفاده شد، بدین معنی که داده‌های مورد نیاز به منظور شکل دهی این نظریه، به طور مستمر در طول فرآیند تحقیق جمع‌آوری شد (Danaeifard and Emami, 2007). نمونه‌گیری نظری تا رسیدن مقوله‌ها به اشباع نظری ادامه یافت. مقصود از «اشباع نظری» مرحله‌ای است که دیگر داده‌های جدید در ارتباط با مقوله به دست نیاید و روابط بین مقوله‌ها برقرار و تأیید شده باشد (Farhangi et al., 2015). به طور کلی، بر اساس این معیار، جمع‌آوری داده‌ها از اعضای جامعه مورد مطالعه تا جایی انجام شد که مفاهیم حالت تکراری به خود گرفت و مسجل شد که نمونه‌گیری بیشتر منجر به ظهور مفاهیم جدید نخواهد شد. سؤالات مصاحبه از نوع نیمه‌ساختاریافته بوده و بر اساس ابعاد نظریه زمینه‌ای، مواردی مانند مقوله‌های (ابعاد) اصلی پدیده امنیت غذایی، شرایط علی، زمینه (بستر) و شرایط مداخله‌گر، راهبردها، برون‌دادها و پیامدهای مورد انتظار امنیت غذایی خانوارهای روستایی را جست‌وجو می‌کرد تا از زبان مصاحبه‌شوندگان، این پدیده روشن شود. مصاحبه‌ها ضبط و سپس، ثبت شد. همچنین، بر اساس معیار کرسول و میلر (Creswell and Miller, 2000)، برای حصول اطمینان از روایی پژوهش، دو اقدام مهم انجام گرفت: نخست، تطبیق توسط اعضا بود که در آن، چهار نفر از مصاحبه‌شوندگان گزارش نهایی مرحله نخست فرآیند تحلیل و مقوله‌های به دست آمده را بازبینی کردند و پیشنهاد آنها در کدگذاری‌های باز و محوری اعمال شد؛ سپس، فرآیند بررسی همکار بود که در آن، دو استاد غذا و دارو و دو استاد در حوزه ترویج و آموزش کشاورزی، پارادایم کدگذاری باز و محوری را بررسی کردند و نظر آنها در تدوین مدل به کار رفت.

جدول ۱- مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

شماره	سازمان	تخصص
۱	دانشگاه علوم پزشکی ایلام	دکتری تغذیه
۲	دانشگاه علوم پزشکی ایلام	دکتری تغذیه
۳	دانشگاه علوم پزشکی ایلام	دکتری تغذیه
۴	دانشگاه علوم پزشکی ایلام	دکتری بهداشت محیط
۵	دانشگاه علوم پزشکی ایلام	دکتری بهداشت محیط
۶	دانشگاه علوم پزشکی ایلام	دکتری بهداشت محیط
۷	دانشگاه ایلام	دکتری ترویج و آموزش کشاورزی
۸	دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام	دکتری ترویج و آموزش کشاورزی
۹	دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام	دکتری ترویج و آموزش کشاورزی
۱۰	دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام	دکتری ترویج و آموزش کشاورزی
۱۱	دانشگاه علوم پزشکی ایلام	دکتری داروسازی
۱۲	دانشگاه علوم پزشکی ایلام	دکتری داروسازی
۱۳	سازمان جهاد کشاورزی استان ایلام	کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی
۱۴	سازمان جهاد کشاورزی استان ایلام	کارشناسی ارشد مدیریت کشاورزی
۱۵	سازمان جهاد کشاورزی استان ایلام	کارشناسی ارشد علوم دامی
۱۶	کشاورز نمونه استان در سال ۱۳۹۷	کارشناسی زراعت و اصلاح نباتات
۱۷	کشاورز نمونه استان در سال ۱۳۹۷	کارشناسی ارشد علوم دامی
۱۸	کشاورز نمونه استان در سال ۱۳۹۷	کارشناسی ترویج آموزش کشاورزی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، تحلیل و کدگذاری داده‌ها با استفاده از رویکرد اشتراوس و کوربین (Strauss and Corbin, 1990) صورت گرفت. در این رویکرد، کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و انتخابی انجام شد. در مرحله کدگذاری باز، متن مصاحبه‌های ثبت شده با استفاده از کدهای زنده علامت‌گذاری و ایده‌های تکراری شناسایی شد. از این‌رو، پس از بازخوانی متوالی داده‌ها، به هر واژه و جمله یک برچسب مفهومی خاص اختصاص داده شد. در واقع، مفاهیم شامل عبارت‌ها و کلمه‌هایی بود که ادراک مصاحبه‌شوندگان و ایده‌های آنها در

خصوص عوامل مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی را منعکس می‌کرد. در مرحله کدگذاری محوری، ضمن تبیین ارتباط طبقات فرعی و اصلی، از پارادایم کدگذاری محوری اشتراوس و کوربین استفاده شد، بدین معنی که با توجه به نقش مفاهیم به‌دست‌آمده در تبیین امنیت غذایی خانوارهای روستایی، این مفاهیم در قالب شرایط علی (علل پدیده اصلی)، راهبردها (راهبردهایی که برای به مرحله اجرا درآوردن پدیده اصلی انجام می‌شوند)، زمینه (شرایط بسترساز خاص مؤثر بر راهبردها)، شرایط مداخله‌گر (شرایط عام مؤثر بر راهبردها) و پیامدها (نتایج به‌کار بستن راهبردها) به‌صورت نظری از طریق مدل فرآیندی به هم مرتبط شدند. در نهایت، با بهره‌گیری از کدگذاری انتخابی، روابط موجود در پارادایم کدگذاری شرح و بسط داده و روایت گونه‌ای از این روابط ارائه شد.

نتایج و بحث

پس از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها و طرح پرسش‌هایی درباره مقوله‌های مشخص‌کننده و رجوع به داده‌ها برای بررسی حوادث و وقایع مؤید یا ردکننده پرسش‌ها (Rahman-Seresht et al., 2014)، ۱۴۶ کد اولیه و پس از حذف موارد تکراری، ۹۴ کد ثانویه به‌دست آمد. در ادامه فرآیند، این کدها در قالب ۶۲ مفهوم، شانزده زیرمقوله و شش مقوله اصلی دسته‌بندی شدند. مقوله‌های پژوهش در شش دسته در جدول ۲ آمده است.

طراحی الگوی امنیت غذایی خانوارهای روستایی....

جدول ۲- مفاهیم و مقوله‌های فرعی مرتبط با مقوله‌های اصلی مطالعه

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفهوم
شرایط علی	تهدیدات زیست محیطی	آلودگی آب‌ها
		فرسایش خاک
		انتشار گازهای گلخانه‌ای
		ضایعات بالای مواد غذایی و محصولات تولیدی
		از بین رفتن تنوع زیستی
	خطرات تهدیدکننده سلامتی	سوء تغذیه و وقوع مسمومیت‌های ناشی از آلودگی غذا
		بروز انواع ناهنجاری‌های مادرزادی و سرطان‌ها
		برخورداری از تولیدات کافی مواد غذایی در کشور
		میزان واردات کافی مواد غذایی
		وجود کمک‌های غذایی برای افراد مستمند
مقوله محوری	دسترسی به غذا	درآمد مناسب برای تهیه غذا
		قیمت مناسب محصولات غذایی
		توزیع عادلانه مواد غذایی
		برخورداری از سامانه حمل و نقل مناسب برای دسترسی آسان و عادلانه جمعیت به مواد غذایی
		دسترسی همیشگی به مواد غذایی
	ثبات در دریافت غذا	بهره‌مندی از بودجه کافی و لازم برای تهیه غذا
		ثبات نسبی قیمت‌ها در تمامی فصول
		کیفیت مناسب مواد غذایی
		سلامت کافی مواد غذایی
		اصلاح الگوی تغذیه و مصرف مواد غذایی
شرایط زمینه‌ای	الگوی غذایی خانوار	ذائقه شخصی افراد
		چگونگی تقسیم غذا بین اعضای خانوار
		سطح دانش تغذیه‌ای خانوارها
		میزان تنوع در برنامه غذایی روزانه، هفتگی و ماهانه
		تعادل در مصرف مواد غذایی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفهوم
شرایط مداخله‌گر	شرایط اجتماعی - فرهنگی	مشارکت مردم در برنامه‌ریزی‌های دولتی
		ارزش‌های غذایی و اهمیت تغذیه در بین خانوارهای روستایی
	حمایت‌های رفاهی و اقتصادی	ترویج فرهنگ صحیح غذایی در روستا
		افزایش سرمایه‌گذاری اقتصادی در بخش کشاورزی
		کاهش هزینه‌های تولید در بخش کشاورزی
		تقویت فرآیند بازاریابی
	حمایت‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی	بهبود زیرساخت‌های تولیدی و فرآوری در بخش کشاورزی
		سیاست‌گذاری‌های کلان تغذیه‌ای
		مدیریت ذخایر آبی و منابع خاکی و نظارت بر افزودنی‌های مورد استفاده در بخش کشاورزی
		برنامه‌ریزی صحیح و منسجم برای افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی
حمایت‌های بهداشتی و آموزشی	ارتقای سواد تغذیه‌ای در بین خانوارهای روستایی	
	نظارت بر اصلاح روش‌های تولید مواد غذایی	
	نظارت کافی بر رعایت بهداشت در مراحل تولید، بسته‌بندی، فرآوری و توزیع محصولات غذایی	
عرضه مواد غذایی سالم با رعایت الگوی مناسب مصرف	تقویت تغذیه سالم و ایمن در بین روستاییان	
	تضمین عرضه مواد غذایی ایمن، سالم و پایدار	
	اصلاح الگوی مصرف	
	حمایت و توسعه آموزش و بهداشت در جامعه	
مدیریت مخاطرات و خطرپذیری	ارائه راهکارهای مناسب برای مقابله با شرایط بد جوی	
	ارائه راهکارهای مناسب برای مقابله با کمبود مواد غذایی موجود در بازار	
	ارائه راهکارهای لازم برای مناسب‌سازی قیمت مواد غذایی	
	استفاده از زمین‌های مستعد و مناسب برای کشاورزی	
	به‌کارگیری روش‌های دفع آفات طبیعی و غیرشیمیایی	
سرمایه‌گذاری زراعی - فنی	استفاده از روش‌های نوین آبیاری	
	بهبود حمایت‌های فنی برای امنیت تجهیزات	
	افزایش سرمایه‌گذاری اقتصادی در بخش کشاورزی	
	تنوع بخشیدن به الگوی زراعی	

طراحی الگوی امنیت غذایی خانوارهای روستایی.....

مفهوم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
ارائه اطلاعات جامع و کافی به روستاییان در زمینه تولید، تهیه و مصرف مواد غذایی سالم		
توجه کافی به کشاورزان خرده‌پا		
دریافت مواد ضروری (سرمایه، بازار، اعتبار، دانش) در محل	افزایش خدمات حمایتی و آموزشی	
بهبود دسترسی به حمایت‌های اجتماعی		
اشتغال‌زایی و کاهش سطح بیکاری در روستاها		
ارتقای سطح توانمندی‌های روستایی با ارائه خدمات آموزشی مناسب		
تنوع زیستی و حفاظت از منابع طبیعی	توقف افول و ارتقای سطح	
ارتقای سطح تغذیه و سلامت مصرف‌کنندگان	سلامت و تغذیه	پیامدها
بهبود سطح تولید	مصرف‌کنندگان روستایی	
متعادل کردن مصرف		

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مقوله‌های علی: مقوله‌های علی به حوادث و وقایعی اشاره دارد که به وقوع یا توسعه امنیت غذایی خانوارهای روستایی استان منجر می‌شود (Strauss and Corbin, 1990). دو مقوله «خطرات تهدیدکننده سلامتی» و «تهدیدات زیست‌محیطی» به‌عنوان مقوله‌های علی پژوهش حاضر شناسایی شدند. نتایج برخی پژوهش‌های پیشین (Hashemitabar et al., 2018; Nord et al., 2010; Seydou et al., 2014) با شرایط علی مدل استقرایی تحقیق حاضر هم‌سو است.

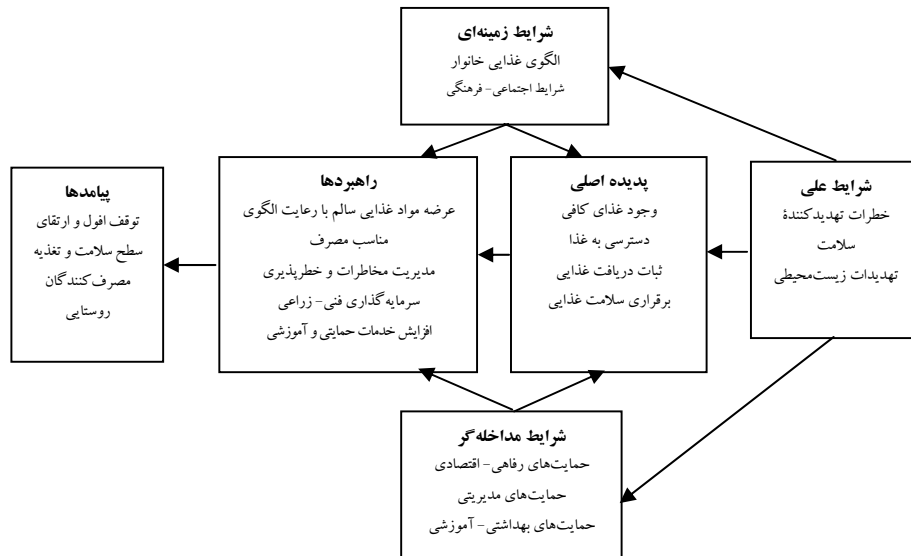
مقوله‌های محوری: مقوله‌های محوری همواره در داده‌ها ظاهر می‌شوند و تمام مقوله‌های اصلی دیگر بدانها مرتبط‌اند (Varmazyari et al., 2018). مقوله‌های شناسایی شده در این زمینه عبارت‌اند از «وجود غذای کافی»، «دسترسی به غذا»، «ثبات در دریافت غذا» و «سلامت غذایی». نتایج پاره‌ای از دیگر پژوهش‌های پیشین (Ibrahim et al., 2009; Ojeleye et al., 2014; Shirani Bidabadi and Ahmadi Kaliji, 2014) با مقوله‌های محوری مدل استقرایی تحقیق حاضر هم‌سویی دارد.

مقوله‌های زمینه‌ای: این مقوله‌ها نشانگر زنجیره‌ای از شرایط محیطی مؤثر بر راهبرد است. در پژوهش حاضر، شرایط زمینه‌ای شامل دو مؤلفه «الگوی غذایی خانوار» و «شرایط اجتماعی-فرهنگی» است. نتایج دو تحقیق (Timothy, 2005; Bashir et al., 2012) با شرایط زمینه‌ای مدل استقرایی تحقیق حاضر هم‌سو است.

مقوله‌های واسطه‌ای (میانجی): شرایط میانجی (مداخله‌گر) شرایطی کلی و گسترده به‌شمار می‌روند و بر چگونگی کنش یا واکنش اثر می‌گذارند (Varmazyari et al., 2018). در پژوهش حاضر، سه مؤلفه «حمایت‌های رفاهی و اقتصادی»، «حمایت‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی» و «حمایت‌های بهداشتی و آموزشی» به‌عنوان مقوله‌های میانجی شناسایی شدند. نتایج دو تحقیق دیگر (Safarpour et al., 2013; Asgharian et al., 2013) با عوامل مداخله‌گر مدل استقرایی تحقیق حاضر هم‌سویی دارد.

مقوله‌های راهبردی: این مقوله‌ها راهبردهایی برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده محوری ارائه می‌دهند (Holyoke and Stephenson, 2017). راهبردهای معرفی‌شده برای تحقیق حاضر عبارت‌اند از «عرضه مواد غذایی سالم با رعایت الگوی مناسب مصرف»، «مدیریت مخاطرات و خطرپذیری»، «سرمایه‌گذاری فنی-زراعی» و «افزایش خدمات آموزشی و حمایتی». نتایج برخی از پژوهش‌های پیشین (Pakravan et al., 2015; Savari et al., 2014; Trefry et al., 2014) با عوامل راهبردی مدل استقرایی تحقیق حاضر هم‌سو است.

مقوله‌های پیامدی: مقوله‌های پیامدی نتیجه و حاصل راهبردها «در مقابله با پدیده» یا «برای اداره و کنترل پدیده» است. مقوله «توقف افول و ارتقای سطح سلامت و تغذیه مصرف‌کنندگان روستایی» به‌عنوان مقوله پیامدی پژوهش حاضر شناسایی شد. نتایج دو تحقیق دیگر (Hammond and Dubé, 2012; Nord et al., 2010) با عامل پیامدی تحقیق حاضر در یک راستاست. کدگذاری محوری بر اساس مدل پارادایم در نگاره ۱ آمده است.



نگاره ۱- کدگذاری محوری بر اساس مدل پارادایم

پس از تهیه الگوی پارادایمی، برای افزایش اعتبار آن، این الگو در اختیار خبرگانی قرار گرفت که هم با پایداری امنیت غذایی و هم با روش نظریه داده‌بنیاد آشنایی داشتند. از این خبرگان درخواست شد که در مورد فرآیند تدوین و الگوی نهایی دیدگاه‌های خود را بیان کنند؛ بیشتر آنها مدل را تأیید کردند و بعضی از آنها نیز نظرهای اصلاحی داشتند که در فرآیند رفت و برگشتی، ضمن اعمال اصلاحات، نظر نهایی آنها دریافت شد. همچنین، طی فرآیند پژوهش، ضمن تعامل با خبرگان روش پژوهش، تأییدیه اجرای مراحل فرآیند دریافت شد. در مدل پارادایمی به دست آمده، شناخت مقوله کانونی (مقوله‌ای که سایر مفاهیم با آن ارتباط دارند و در مرکز مدل قرار دارد) بسیار اهمیت دارد. پس از بازنگری چندین باره الگو، به نظر می‌رسد که آنچه در کانون تأمین پایداری امنیت غذایی روستاییان قرار دارد، وجود غذای کافی، ثبات دریافت غذایی و برقراری سلامت غذایی است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌گونه که گفته شد، در پژوهش حاضر، از نظریه زمینه‌ای نظام‌مند و در این روش نیز برای تحلیل داده‌ها، از سه شیوه کدگذاری باز (مفهوم‌پردازی داده‌ها)، کدگذاری محوری (مقوله‌بندی و ارتباط دادن بین مقولات) و کدگذاری انتخابی (ساخت حکایت‌گونه که مقولات را به هم مرتبط می‌سازد و ارائه مدل) استفاده شده است. با کدگذاری باز، در مجموع، ۶۲ مفهوم استخراج شد. در کدگذاری محوری، مجموع مقوله‌های مستخرج از داده‌های خام، در قالب شرایط علی (علل ایجاد پدیده اصلی)، راهبرد (کنش‌ها یا واکنش‌هایی که برای کنترل، اداره، برخورد و پاسخ به پدیده اصلی انجام می‌شود)، زمینه (شرایط بسترساز مؤثر در راهبردها)، شرایط مداخله‌گر (شرایط عام مؤثر در راهبردها) و پیامدها (نتایج به کارگیری راهبردها) دسته‌بندی شدند.

در تحقیق حاضر، تلاش شد که یک مدل مفهومی مناسب برای مؤلفه‌ها و عوامل امنیت غذایی خانوارهای روستایی استان ایلام طراحی شود. نتایج حاصل از کدگذاری چندمرحله‌ای داده‌ها و استخراج مفاهیم و مقولات نشان می‌دهد که عوامل بسیاری در برقراری امنیت غذایی پایدار خانوارهای روستایی دخیل است، که می‌تواند در آینده، راهگشای تحقیقات علمی و کاربردی امنیت غذایی و سیاست‌گذاری در عرصه غذا و تغذیه باشد. با این حال، توجه به نوع ارتباط و نوع تأثیری که این مؤلفه‌ها بر هم دارند، ضروری می‌نماید. نگاره ۱ بیانگر روابط میان اجزاء و مؤلفه‌های اصلی حاصل از کدگذاری محوری درباره امنیت غذایی خانوارهای روستایی استان است. بنابراین، در پی، به تبیین بخش‌های مختلف الگوی مفهومی تحقیق پرداخته می‌شود.

بررسی‌های علمی به عمل آمده در کشورهای در حال توسعه حاکی از اثرات سوء و انکارناپذیر افزایش مصرف افزودنی‌ها، آفت‌کش‌ها، آنتی‌بیوتیک‌ها و هورمون‌ها در تولید مواد غذایی بر سلامت انسان‌ها و محیط زیست طبیعی است. این آلودگی‌ها، از یک سو، مشکلاتی مانند فرسایش خاک، آلودگی آب، انتشار گازهای گلخانه‌ای و از بین رفتن تنوع زیست‌محیطی را به همراه داشته و از سوی دیگر، استفاده و به کارگیری نادرست این مواد در بخش کشاورزی سلامت مواد غذایی تولیدی را نیز به خطر انداخته است. بر اساس آمار، میزان

وقوع مسمومیت‌های ناشی از آلودگی غذا در کشورهای در حال توسعه سیزده درصد بیش از کشورهای صنعتی است (Baniasadi and Zare-Mehrjerdi, 2015). افزون بر این، بخشی قابل توجه از جمعیت این کشورها در روستاها زندگی می‌کنند که اکثریت آنها تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و دامی به‌شمار می‌روند؛ از این‌رو، تأمین سلامت و ارتقای سطح آگاهی آنها برای تولید محصولات سالم و باکیفیت و ایمن از ضروریات جوامع امروزی محسوب می‌شود.

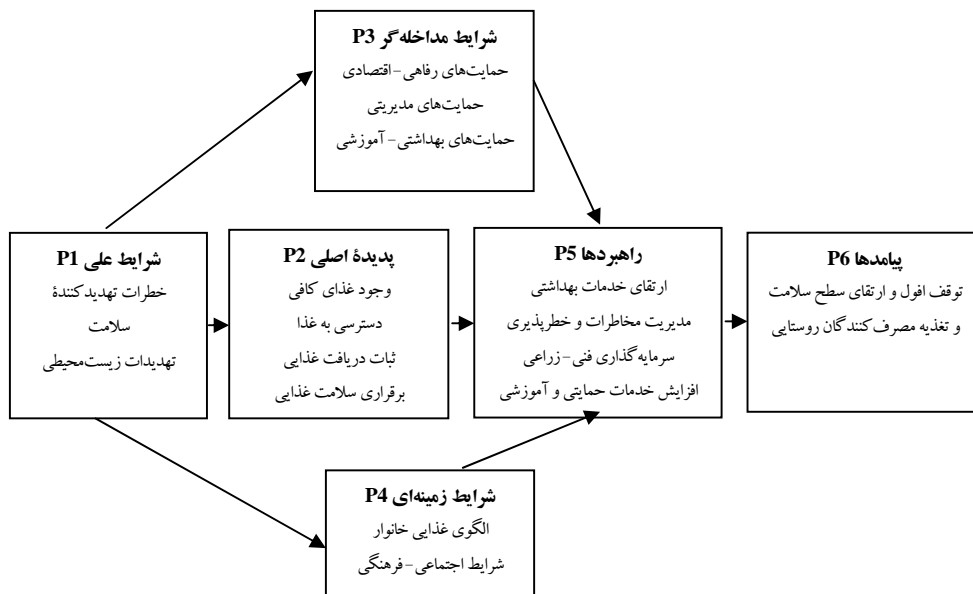
از سوی دیگر، الگوی غذایی خانوار نقش مهمی در سطح سلامت اعضای خانوار دارد. الگوی غذایی مطلوب الگویی است که بر پایه سه اصل تعادل، تنوع و کفایت تغذیه‌ای، ضمن تأمین نیازهای تغذیه‌ای و حفظ سلامت مردم، دربرگیرنده تفاوت‌های فردی، عادت‌ها، ارجحیت‌های غذایی، دانش و سواد تغذیه‌ای اقشار مختلف و منعکس‌کننده امکانات تولید، توزیع و دسترسی اقتصادی و فیزیکی در سطح ملی باشد (Pelletier, 2015). رعایت اصول تعادل و تنوع در برنامه غذایی و داشتن تغذیه صحیح از جمله شرایط اصلی برای برخورداری از سلامت جسمی است. همچنین، باید خاطر نشان کرد که میزان تقاضای افراد برای غذا می‌تواند تا حدودی برخاسته از فرهنگ و ارزش‌های غذایی موجود در خانوار باشد، به گونه‌ای که این فرهنگ و ارزش‌ها تعیین‌کننده سبب غذایی خانوار و عادات و ترجیحات آنها شده است و در نهایت، وجود همین فرهنگ و ارزش‌هاست که بر میزان سلامت و امنیت غذایی خانوار تأثیر می‌گذارد. بنابراین، تلاش در راستای ترویج فرهنگ تغذیه‌ای صحیح در بین خانوارها می‌تواند آثار و نتایج امیدبخش را در زمینه پایداری امنیت غذایی در جامعه به‌همراه داشته باشد. از دیدگاه سازمان فائو، افزایش سرمایه‌گذاری دولتی در بخش کشاورزی و تقویت اثربخشی این کمک در زمینه ارتقای امنیت غذایی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، به گونه‌ای که کشورهای دارای بیشترین سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی در بخش کشاورزی، در حال حاضر، پایین‌ترین سطح سوءتغذیه را دارند. در واقع، رشد بخش کشاورزی، بیش از رشد صنعتی یا شهری، منجر به کاهش فقر و گرسنگی می‌شود. بنابراین، از آنجا که اکثر فقرای

جهان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، حمایت‌های رفاهی و اقتصادی دولت در زمینه رشد کشاورزی می‌تواند در رفع این معضل، بسیار مؤثر واقع شود. این حمایت‌ها، از یک سو، شرایط لازم و اساسی برای بالا بردن سطح تولیدات کشاورزی را فراهم می‌سازد و از سوی دیگر، به رفاه و سلامت ساکنان روستا و مصرف‌کنندگان محصولات کشاورزی در کل جامعه کمک می‌کند.

موضوعاتی مانند آب‌وهوای غیرقابل پیش‌بینی و محدودیت منابع آبی و خاکی نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان در راستای ارائه گزینه‌های متنوع مدیریتی و برنامه‌ریزی برای ارتقای بهره‌وری در بخش کشاورزی است و چنانچه شرایط موجود به‌خوبی مدیریت نشود و برنامه‌ریزی اصولی در این زمینه صورت نگیرد، در سال‌های آتی، تولیدات بخش کشاورزی جواب‌گوی نیاز جمعیت نخواهد بود. بنابراین، می‌توان گفت که ارتقای سطح زندگی، سلامت و تغذیه کل جامعه، تا حدود زیادی، نیازمند اتخاذ سیاست‌های مطلوب و مداخله‌های مناسب دولت در این زمینه است. البته حساسیت این موضوع و لزوم مداخله دولت در این زمینه در سطح روستاها بیشتر احساس می‌شود، زیرا بقا و معیشت اکثریت خانوارهای روستایی، به‌طور مستقیم (تغذیه) و غیرمستقیم (کسب درآمد)، به کشاورزی وابسته است. روستاییان، به‌عنوان عاملان اصلی تولیدکننده محصولات کشاورزی، نقشی اساسی در تأمین امنیت غذایی جامعه ایفا می‌کنند. بنابراین، ارتقای سطح آموزش و ترویج سواد تغذیه‌ای در بین آنها نتایجی بسیار مطلوب را برای کل جامعه به‌همراه خواهد داشت. آموزش و سرمایه‌گذاری در منابع انسانی از مؤثرترین ابزارهای کاهش فقر و تقویت توسعه پایدار است و ترویج سواد تغذیه‌ای نیز به‌عنوان یکی از ارکان آموزشی، با فراهم آوردن دید کافی برای تغذیه سالم، باعث ایجاد تغییر در افراد و جوامع می‌شود. در واقع، سواد تغذیه‌ای مانند یک منبع پایدار سبب می‌شود که کیفیت رژیم غذایی حفظ شود و با ارائه آموزش به افراد در خصوص شناخت گروه‌های غذایی و نیاز بدن به هر کدام از گروه‌ها و در اولویت قرار دادن بعضی از آنها، در ارتقای فرهنگ و سواد تغذیه‌ای جامعه بسیار ارزشمند عمل می‌کند.

با این شرایط، در نگاره ۲، مدل پارادایمی امنیت غذایی خانوارهای روستایی استان ایلام

ارائه شده است.



نگاره ۲- مدل پارادایمی امنیت غذایی خانوارهای روستایی استان ایلام

در کدگذاری انتخابی، با نگارش خط داستان، مقوله‌ها به هم متصل شدند. با توجه نگاره ۲، خط داستان را می‌توان بدین شرح ارائه کرد: در مرحله کدگذاری انتخابی، شرایط مختلف (طبقات) بیان شده در مرحله کدگذاری محوری با هم ادغام می‌شوند و تجزیه و تحلیل کلی صورت می‌گیرد. یکپارچه‌سازی در قالب دو رویه اصلی به کارگیری یک روایت بر اساس روابط مدل پارادایم حول مقوله محوری و ارائه قضایای نظری بر اساس مدل پارادایم صورت می‌گیرد (Haghighouyan et al., 2015). کدگذاری انتخابی نتایج گام‌های قبلی کدگذاری را به کار برده، مقوله‌های اصلی را انتخاب می‌کند، آن را به شکل نظام‌مند به سایر مقوله‌ها ارتباط می‌دهد، ارتباطات را اعتبار می‌بخشد و مقوله‌هایی را که نیاز به بسط و توسعه بیشتر دارند، توسعه می‌دهد. در این مرحله، بر حسب فهم خود پژوهشگر از متن پدیده مورد مطالعه، یا چارچوب مدل

پارادایم به صورت روایتی عرضه می شود یا با به هم ریختن مدل پارادایم، نظریه نهایی به صورت ترسیمی نشان داده می شود (Rezaei, 2018).

در فرآیند کدگذاری انتخابی، باید خط سیر داستان به گزاره های حکمی یا قضایای پژوهشی منتهی شود. این گزاره ها یا قضایای حکمی به روابط بین مقوله ها اشاره دارند. قضیه های نظری بیانگر روابط تعمیم یافته بین یک طبقه و مفاهیم آن با طبقات معین است. قضیه ها متضمن روابط مفهومی است، در حالی که فرضیه ها مستلزم روابط سنجش پذیر است. از آنجا که رویکرد نظریه داده بنیاد روابط «مفهومی» را تولید می کند و نه روابط «سنجش پذیر»، به کارگیری اصطلاح قضایا مرجح است. در قسمت قضایا، رابطه بین طبقات اصلی (Haghgouyan et al., 2015) بررسی می شود. پژوهشگران برای تبدیل پژوهش کیفی به پژوهش کمی، قضایای پژوهشی (سازه، عناصر سازنده آنهاست) را به فرضیه ها (که متغیرها عناصر سازنده آنهاست) تبدیل می کنند تا زمینه آزمون آنها به صورت کمی فراهم شود (Sepahvand et al., 2017). در پژوهش حاضر، برای فرآیند کدگذاری انتخابی، شش قضیه نظری بر اساس مدل پارادایمی به شرح زیر ارائه شده است:

قضیه ۱: «تهدیدات زیست محیطی» و «خطرات تهدید کننده سلامتی» عوامل علی هستند که می توانند بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی تأثیر گذار باشند (P1).

قضیه ۲: «وجود غذای کافی»، «دسترسی به غذا»، «ثبات در دریافت غذا» و «برقراری سلامت غذایی» و نیز روابطی که میان آنها وجود دارد، جریان محوری امنیت غذایی خانوارهای روستایی را شکل می دهند (P2).

قضیه ۳: «حمایت های رفاهی و اقتصادی»، «حمایت های مدیریتی و برنامه ریزی» و «حمایت های بهداشتی - آموزشی» شرایط مداخله گری هستند که می توانند بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی تأثیر گذار باشند (P3).

قضیه ۴: در پیاده سازی امنیت غذایی خانوارهای روستایی، «الگوی غذایی خانوار» و «شرایط اجتماعی - فرهنگی» می توانند شرایط زمینه ای باشند (P4).

قضیه ۵: کنش‌های «عرضه مواد غذایی سالم با رعایت الگوی مناسب مصرف»، «مدیریت مخاطرات و خطرپذیری»، «سرمایه‌گذاری فنی-زاعی» و «افزایش خدمات حمایتی و آموزشی» بر کنش‌ها و برهم‌کنش‌های (راهبرد) امنیت غذایی خانوارهای روستایی تأثیر می‌گذارند (P5).

قضیه ۶: خروجی اجرای راهبردهای معرفی شده در شرایط مداخله‌گر و شرایط زمینه‌ای «توقف افول و ارتقای سطح سلامت و تغذیه مصرف‌کنندگان روستایی» در زمینه امنیت غذایی خانوارهای روستایی استان ایلام است (P6).

با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- بسترسازی مناسب دولت برای کاهش ناامنی غذایی در بین خانوارهای روستایی از طریق توزیع عادلانه درآمدهای روستایی؛
- ارتقای سطح تسهیلات و امکانات اجتماعی در مناطق روستایی به منظور افزایش بهره‌وری خانوارهای روستایی از طریق تقویت زیرساخت‌ها و امکانات عمومی روستایی (ارتقای سطح امکانات بهداشتی و افزایش مراکز آموزشی در روستاها)؛
- افزایش سطح سواد سرپرستان خانوارهای روستایی در قالب رویکرد تکمیلی ارتقای سطح امنیت غذایی و کاهش ناامنی غذایی؛ و
- سرمایه‌گذاری و توسعه بخش کشاورزی از طریق ارائه وام‌ها و تسهیلات اعتباری بلاعوض و یا با بهره کم به روستاییان و همچنین، ترویج فرهنگ کارآفرینی در نواحی روستایی.

منابع

1. Abolhassani, M.H., Kolahdooz, F., Majdzadeh, R., Eshraghian, M., Shaneshin, M., Jang, S.L. and Jazayeri, A. (2015). Identification and prioritization of food insecurity and vulnerability indices in Iran. *Iranian Journal of Public Health*, 44(2): 244-253. (Persian)
2. Akbarpour, M., Mahdavi Damghani, A., Deihimifard, R. and Veisi, H. (2016). Assessment of the food security status in Marvdash County. *Journal of Ecology*, 6(1): 1-10. (persian)

3. Alimoradi, Z., Kazemi, F., Mirmiran, P. and Estaki, T. (2015). Household food security in Iran: systematic review of Iranian articles. *Advances in Nursing and Midwifery*, 24(87): 63-76.
4. Asgharian, A., Karami, E. and Keshavarz, M. (2013). Determinants of rural food security. *Journal of Agricultural Economics*, 7(1): 87-97. (Persian)
5. Baniasadi, M. and Zare-Mehrjerdi, M. (2015). Growth of industrial sector and air pollution in economy of Iran during 1986-2011. *Journal of Environmental Research*, 6(12): 25-38. (Persian)
6. Bashir, M.K., Schilizzi, S. and Pandit, R. (2012). The determinants of rural household food security in the Punjab, Pakistan: an econometric analysis. Working Paper, School of Agricultural and Resource Economics. The University of Western Australia.
7. Cheraghi, M., Yeganeh, B. and Eskandari Shahraki, Z. (2018). Analysis of geographic factors affecting the food security of rural households, case study: Zanjan County. *Journal of Geographical Engineering of Territory*, 2(3): 47-58. (Persian)
8. Creswell, J.W. and Miller, D.L. (2000). Determining validity in qualitative inquiry. *Theory into Practice*, 39(3): 124-130. DOI: 10.1207/s15430421tip3903_2.
9. Danaeifard, H. and Emami, S.M. (2007). Strategies of qualitative research: a reflection on grounded theory. *Strategic Management Thought*, 1(2): 69-97. (Persian)
10. Farhangi, A.A., Karoubi, M. and Sadeghvaziri, F. (2015). Classic grounded theory; description of generating gravity center of iranian health tourism brand identity theory. *Journal of Business Management*, 7(1): 145-162. DOI: 10.22059/JIBM.2015.52324. (Persian)
11. Ghaffarian, M., Salehi, A. and Bashari, N. (2016). Climate change; preservation of production resources to support food security. Paper Presented at the Ithrd National Crisis Management Conference and HSE in Vital Arteries, Industry and Urban Management, May 16-17, 2016, University of Tehran, Tehran. (Persian)
12. Haghgouyan, Z., Zarei Matin, H., Jandaghi, G. and Rahmati, M.H. (2015). Understanding of vigor process by grounded theory. *Organizational Behavior Studies Quarterly*, 4(2): 119-141. (Persian)
13. Hammond, R.A. and Dubé L. (2012). A systems science perspective and transdisciplinary models for food and nutrition security. Paper Presented at the National Academy of Sciences, 23 July, 2012, USA.

14. Hashemitabar, M., Akbari, A. and Darini, M. (2018). Analysis of factors affecting food security in rural areas of south of Kerman province. *Journal of Space Economy and Rural Development*, 7(2): 1-18. (Persian)
15. Holyoke, P. and Stephenson, B. (2017). Organization-level principles and practices to support spiritual care at the end of life: a qualitative study. *BMC Palliat Care*, 16(1): 24-35. DOI: 10.1186/s12904-017-0197-9.
16. Ibrahim, H., Bello, M. and Ibrahim, H. (2009). Food security and resource allocation among farming households in north central Nigeria. *Pakistan Journal of Nutrition*, 8(8): 1235-1239. DOI: 10.3923/pjn.2009.1235.1239.
17. Jamini, A., Amini, A., Qader-Marzi, H. and Tavakoli, J. (2017). Food security and its implications on rural areas. *Geographical Planning of Space Quarterly Journal*, 7(24): 113-130. (Persian)
18. Khalaj, S. and Yousefi, A. (2015). Mapping the incidence and intensity of multidimensional poverty in Iran urban and rural areas. *The Journal of Spatial Planning*, 18(4): 49-70. (Persian)
19. Lawrence, M., Gold, L., Frie, S. and Pegram, O. (2015). Food insecurity in Australia: implications for general practitioners. *AFE Mental Illness*, 44(11): 864-869.
20. Mehrabi, H. and Owhadi, A. (2014). Investigation of effective factors on food security in Iran. *Journal of Agricultural Economics*, 8(Special Issue): 111-121. (Persian)
21. Nord, M., Coleman-Jensen, A., Andrews, M. and Carlson, S. (2010). Household food security in the United States, 2009 (108). Available at https://www.ers.usda.gov/webdocs/publications/44776/7024_err108_1_.pdf.
22. Ojeleye, O.A., Adebisi, O.A. and Fadiji, T.O. (2014). Assessment of farm household food security and consumption indices in Nigeria. *Asian Journal of Agriculture and Rural Development*, 4(9): 1-7.
23. Pakravan, M.R., Hosseini, S., Salami, H. and Yazdani, S. (2015). Identifying effective factors on food security of Iranian rural and urban households. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Resrach*, 46(3): 395-408. DOI: 10.22059/IJAEDR.2015.55514. (Persian)
24. Pelletier, D. (2015). Food and nutrition policy: a biological anthropologist's experiences from an academic platform. *American Journal of Human Biology*, 27(1): 16-26. DOI: 10.1002/ajhb.22523.
25. Rahimi Fayzabad, F., Yazdanpanah, M., Forouzani, M., Mohammadzadeh, S. and Berton, R. (2017). Explanation of farmers' water conservation behaviors using extended planned behavior theory: the case of farmers in Aleshtar County. *Iranian Agricultural Extension and Education*, 12(2): 1-17. (Persian)

26. Rahman-Seresht, H., Hasas Yeganeh, Y., Fallah Shams, M. and Irandoost, M. (2014). A strategic model of in-crisis firms' turn-around process. *Journal of Business Management*, 6(3): 497-516. DOI: 10.22059/JIBM.2014.50731. (Persian)
27. Rezaei, S. (2018). Designing a revenue model for Iranian football clubs with grounded theory approach. *Applied Resrach of Sport Management*, 8(23): 101-116. (Persian)
28. Saadi, H. and Vahdat-Moadab, H. (2013). Assessment of female-headed household's food security and the affecting factors, case study: women in Razan County. *Women in Development and Politics*, 11(3): 411-426. DOI: 10.22059/JWDP.2013.36536. (Persian)
29. Safaei, B., Mosleh Shirazi, A., Mohammadi, A. and Alimohammadlou, M. (2018). Descriptive explanation of the process of commercial soft technology diffusion in Iran's oil industry: using grounded theory. *Development Management Process*, 31(2): 27-63.
30. Safarpour, M., Hosseini, S.M., Ranjbar Noshari, F., Safarpour, M., Daneshi Maskooni, M., Kashani, A. and Azizi, S. (2013). Prevalence and consequences of food insecurity and its relation with some socio-economic factors. *Journal of Knowledge and Wellness*, 8(4): 193-198. (Persian)
31. Salarkia, N., Abdollahi, M., Amini, M. and Neyestani, T.R. (2014). An adapted household food insecurity access scale is a valid tool as a proxy measure of food access for use in urban Iran. *Food Security*, 6(2): 275-282. DOI: 10.1007/s12571-014-0335-7.
32. Savari, M., Shabanali Fami, H. and Daneshvar Ameri, Z. (2014). Analysis of Food Security Situation and its effective Factors in the Rural Society: a case study of Divandarreh County. *Journal of Rural Research*, 5(2): 311-332. DOI: 10.22059/JRUR.2014.52473. (Prsian)
33. Sepahvand, R., Shariatnezhad, A. and Saedi, A. (2017). Design architectural model of human capital in governmental agencies using grounded theory. *Development of Logistics and Human Resource Management*, 44: 173-198. (Persian)
34. Seydou, Z., Lin, Y. and Song, B. (2014). Factors influencing household food security in West Africa: the case of southern Niger. *Journal of Sustainability*, 6: 1192-1202. DOI: 10.3390/su6031191.
35. Shirani Bidabadi, F. and Ahmadi Kaliji, S. (2014). The application of food diversity index for the examination of food security in Iran's rural areas. *Village and Development*, 16(2): 25-43. (Persian)
36. Shirin, S.H. and Damari, B. (2017). The conceptual model of food and nutrition in Iran. *Journal of Community Health*, 4(3): 223-232. (Persian)

37. Strauss, A. and Corbin, J. (1990). Basics of qualitative research: grounded theory procedures and techniques (Vol. 1). Available at https://books.google.com/books/about/Basics_of_qualitative_research.html?id=nvwOAQAAMAAJ.
38. Timothy, D.J. (2005). Rural tourism business: a North American overview. In: D. Hall, I. Kirkpatrick and M. Mitchell (Eds.), Rural Tourism and Sustainable Business (pp. 41-62), Channel View Publications.
39. Trefry, A., Parkins, J. and Cundill, G. (2014). Culture and food security: a case study of homestead food production in South Africa. *Journal of Food Security*, 6(4): 555-565. DOI: 10.1007/s12571-014-0362-4.
40. Varmazyari, H., Kalantari, Kh., Lavaei Adaryanni, R. and Samadi, M. (2018). A grounded theory approach to developing a model for challenges of policy-making and planning of rural development in Iran. *Village and Development*, 21(2): 97-123). (Persian)
41. Yasini, A., Abbasi Niki, M., Taban, M. and Pourashraf, Y. (2017). Designing thw model for higher education marketing in Iran. *Journal of Business Management*, 9(2): 415-438. DOI: 10.22059/JIBM.2017.217294.2285. (Persian)
42. Zeraatkish, S.Y. and Kamaei, Z.H. (2017). Factors affecting food security of rural farming households in Kohgilouyeh and Boyer-Ahmad province of Iran. *Journal of Food Science and Nutrition*, 14(2): 77-86. (Persian)

